

گستره علم امام

* مهسا قدیری

چکیده

علم امام یکی از صفات قدسی است که جهت رسا و کسی که از او نور هدایت و ارشاد بر تمامی عالم می تابد باید بدان متصف باشد. با شناخت علم امام این حقیقت آشکار می شود که این علم متصل به علم خداوند است و امام از جانب خدای متعال انتخاب می شود و این شناخت به معرفت نسبت به حقیقت و بلندای صفات او می انجامد، همچنین امام صالح از امام ناصالح شناخته می شود. در این نوشتار علم امام به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کلید واژه ها: امام، علم، علم امام، حضوری

*. طلبه پایه سوم، مدرسه رضویه

مقدمه

مسئله ی علم امام از مسایلی است که همواره اذهان پیروان ائمه علیهم السلام را به خود مشغول داشته است، علم امام یکی از صفات قدسی است که جهت رسا و کسی که از او نور هدایت و ارشاد بر تمامی عالم می تابد باید بدان متصف باشد و با اثبات عقلی و روایی این مسئله در می یابیم که علمی است حضوری و به منبع لایزال علم الهی مرتبط است که علمی بالفعل به تمام حقایق و دایره ای نامحدود است.

آگاهی از گستره علم امام سبب شناخت حقیقت او و بلندای صفاتش می شود و درمی یابیم این علم متصل به علم خداوند است و امام از جانب خدا برگزیده و این علوم را ذخیره در وجود خود کرده، شناخت علم امام کمک می کند امام صالح را برای پیروی برگزینیم و او را از امام ناصالح تشخیص دهیم و بدانیم که هیچ علمی از آنان پوشیده نیست و همه علوم و تابع علم و اراده خداوند تبارک می باشد.

از وجوه تمایز این نوشتار بیان اثبات حضوری بودن علم امام از طرق عقلی، آیات و روایات می باشد. علم امام در اینجا به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته. محورهای این مقاله: تعریف علم، امام، اقسام و گستره علم امام، منابع علم و ویژگی های علم امام و اثبات حضوری بودن آن می باشد.

چیستی امام

امام در لغت به معنای پیشوا، پیشرو و کسی که گروهی پیرو اویند.^۱ در اصطلاح در بیان مفهوم امام گفته اند: «الا مامه رئاسه عامه فی امور الدین و الدنیا»؛ «امامت ریاست عمومی در امور دین و دنیا است».^۲ امام کسی است که در کارهای دینی و دنیوی جانشین رسول خدا ﷺ بوده و ریاست عمومی داشته باشد. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «امامت از منازل انبیاء و [امام] وارث اوصیاست. امامت خلافت رب العالمین و خلافت رسول امین و مقام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و میراث حسن و حسین (علیه السلام) است. امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین و ریشه ی اسلام و شاخه بلند اسلام است».^۳ امامان (علیهم السلام) تنها الگو و نشانه های حقیقت عالم ملکوت هستند و خود نشانه های حق می باشند و در راه زندگی بشر، علایم نجات بخشی هستند که هر فردی در طی این مسیر پر فراز و نشیب باید به آنها توجه کامل نماید تا هم به سلامت به منزل مقصود برسد هم از افراط و تفریط به دور باشد. خداوند متعال اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان امام و پیشوای بشر فرستاده تا انسان ها را برای رسیدن به خدا و جنت نور در مسیر الهی سیر دهند. این رهبران راستین و دلسوز جز به خداوند متعال به کسی دیگر محتاج نیستند که این خود لازمه امامت و پیشوایی آنهاست.^۴

تعریف علم

کلمه علم در عربی به چندین معنی است: دانستن، دانش و حتی آموختن و آموزیدن. علم در معنای اصطلاحی روشی است نظام مند درباره ی نگرش انسان به طبیعت که با روش های معین بدست می آید و هدف آن برقراری رابطه ثابت بین پدیدارهاست. علم در واقع کشف کردن واقعیت

^۱ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۱۵.

^۲ . کبیر مدنی شیرازی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۶، ص ۴۱۳.

^۳ . ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، (مترجم: محمد تقی آقا نجفی اصفهانی)، ص ۱۵۹.

^۴ - استاد آقایی، اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام، ص ۷۱ و ۷۲.

هایی است که وجود جریان کلی آنها به طور کلی مستقل از وجود انسانی و عوامل ادراک انسانی (حسی، خیال، عقل) باشد.^۱

راغب در تعریف علم می گوید: علم ادراک حقیقی شیئی است و این دو نوع است یکی درک خود حقیقت شیئی و دیگری درک اثبات چیزی را بر چیز دیگر یا درک نفی چیزی را از چیز دیگر که قسم نخست دارای یک مفعول است نظیر آیه ۶۰ سوره انفال که می فرماید: «لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» «شما غیر ایشان را نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد». قسم دوم دارای دو مفعول است چنانکه در سوره ممتحنه آیه ۱۰ آمده است: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٌ» «پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید» علم وادراک از نظر لغت نزدیکی و همسانی بسیار دارند معنای علم که برداشتن حجاب است و آنگاه که به نهایت برسد به آن درک می گویند.^۲

علم خداوند

قبل از بررسی علم امام لازم است بدانیم که علم خداوند تبارک و تعالی قدیم و پیش از معلومات است و عین ذات او و علت معلومات می باشد ولی علم حضوری امام در هیچ یک از این خصوصیات شریک علم خداوند نیست، چرا که علم امام، حادث، پس از معلومات و مغایر با ذات اوست و علت معلومات نمی باشد. حضور معلوم نزد امام تنها به معنای وضوح و انکشاف بالفعل معلوم برای اوست. پس سزاوار نیست صاحب بصیرتی گمان برد که امام در این صنعت شریک خدا بوده و اعتقاد به علم حضوری، نوعی شرک و غلو می باشد؛ زیرا اوصاف این دو علم گوناگون است. علاوه بر آنکه علم خداوند متعادل، ذاتی است ولی علم ایشان دانشی عرضی است که خداوند به آنها عطا فرموده است پس هیچ مجالی برای ادعایی اتحاد این دو علم باقی نمی ماند. امامان معصوم علیهم السلام کلیددار و خازن خزانه علم بی پایان خداوندند و هر چه بخواهند می توانند بدانند.^۳ امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عُلْمٌ» وقتی امام بخواهد چیزی را بداند، می داند.

۱ - مشکى، بررسی علم از دیدگاه شیخ مفید، ص ۳۰۲

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۸۰.

۳. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۷۶.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵۸.

علم ائمه علیهم السلام تبعی و عرضی است و به منبع لایزال علم الهی مرتبط است و اگر تعلیم الهی و اتصال به علم بی پایان خداوند متعال نباشد، ائمه علیهم السلام با دیگران مساوی خواهد بود. ^۱ علم یکی از صفات قدسی و برترین صفات امام است. امام باید در هر یک از صفات شریف سرآمد مردمان زمان خود باشد زیرا اگر در میان مردم کسی باشد که از او هر چند در پاره ای از صفات برتر باشد حجت بودن امام بر او و بلکه بر کسی که در سطح امام است روا نخواهد بود زیرا طاعت و فرمانبرداری از امام تنها بدین جهت بر مردم فرض است که وی ردای دعوت به سوی خداوند و هدایت مردم به اطاعت از او و خودداری از نافرمانیش را برتن کرده است و در این صورت خواهد بود که مهتر مردم باشد و اگر کسی چون او یا برتر از او هر چند در برخی از خصوصیات در میان مردم باشد اختصاص امامت به او ترجیح بدون مرجع خواهد بود. ^۲

تفاوت علم حضوری و علم حصولی

علم ظاهری و اکتسابی همان علم حصولی است که از راه حواس ظاهری بدست آمده و علم باطنی از سوی الهام یا وحی به دست می آید. علم حضوری، علمی است که از جانب خداوند سبحان از راه الهام یا دمیدن در گوش یا تعلیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یا اسباب دیگر عطا و اضافه شده است. این علم از ویژگیهای امام بوده و دیگران بهره از آن ندارند. ^۳

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام علم امام را در سه بخش خلاصه نموده و می فرماید: طریق وصول علم ما سه گونه است: گذشته آینده و حادث. اما علوم گذشته برای ما تفسیر شده و اما آینده نوشته و در اختیار ما نهاده شده است و اما حادث در اثر القاء در قلب و تاثیر در گوش حاصل می شود و نوع اخر افضل علوم ما می باشد در صورتی که بعد از پیامبر ما پیامبری نخواهد آمد. ^۴ چنانکه ملاحظه می کنید در این حدیث سه طریق برای علوم ائمه ذکر شده است: اول توضیح و تفسیری که بوسیله پیامبر یا امام سابق انجام گرفته دوم نوشته و کتابی که به دستشان رسیده سوم القاء در قلب و تاثیر در گوش که نوعی است دیگر که افضل علوم نامیده می شود. تفاوت های علم حصولی و حضوری بیان می شود:

^۱ جواد آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۷۷.

^۲ مظفری، علم امام، ص ۱۲۹.

^۳ - مظفری، علم امام، ص ۳۵.

^۴ کلینی، اصول الکافی، ج ۱، (مترجم: سید جواد مصطفوی)، ص ۳۹۳

تو بیاموزم تا آنها را- حفظ کنی- وقتی آیه «وَتَعِيَهَا أُنْزُلُ وَاعِيَةً» نازل شد به علی فرمود: تو گوش نگهدارنده هستی.

۳. اسم اعظم نزد ائمه

اسم اعظم در نزد ائمه به صورت های گوناگونی است. یکی از اقسام اسم اعظم، متشکل از هفتاد و دو حرف می باشد. امام کاظم علیه السلام: «إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ آصَفَ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخُسِفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ سَرِيرِ بَلْقِيسَ ثُمَّ تَنَاولَ السَّرِيرَ بِيَدِهِ ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَ عِنْدَنَا نَحْنُ مِنَ الْأَسْمِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ عِنْدَ اللَّهِ اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ»^۱ طبق این حدیث اسم اعظم، از هفتاد و سه حرف تشکیل یافته و هفتاد و دو حرف آن نزد ائمه است و فقط یک حرف را خداوند متعال برای خود برگزیده است و نزد آصف فقط یک حرف بود که توانست با آن تحت بلقیس را در کمتر از یک چشم بر هم زدن حاضر کند. بنابراین از این بیان به عظمت شأن ائمه اطهار و بزرگی مقام و گستره عملشان پی می بریم تا جایی که خداوند سبحان همان یک حرف را که نزد آصف بود علمی از کتاب نامید.

گونه دیگری از اسم اعظم، آیات انبیاست. یعنی علم و فضل و قدرتی به ائمه علیهم السلام عطا شده که بیان، عاجز از وصف آن است تا آنجا که تمام کتاب های انبیاء دانش ها و آیات نزد ایشان است. قسم دیگر جغرافست. جفر مخزنی است از چرم که علم انبیاء و اوصیاء همه دانشمندان پیشین بنی اسرائیل در آن وجود دارد و نزد ائمه علیهم السلام می باشد.^۲ مصحف فاطمه، که سه برابر قرآن است و همچنین جامعه، که طوماری است به طول هفتاد ذراع که به املاء زبانی آن حضرت و دست خط علی علیه السلام که تمام حلال ها و حرام ها و هر چه مردم بدان نیازمندند در آن موجود است. از اقسام دیگر اسم اعظم می باشد.^۳

^۱. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص ۲۰۸.

^۲ - مظفری، علم امام، ص ۷۷

^۳ - همان، ص ۸۰

قلمرو علم امام

شکی نیست که قلمرو علم ائمه علیهم السلام قابل مقایسه با علم افراد فرهیخته و حتی نوابح بشر نیست، چرا که دانش امامان منشأ الهی دارد نه اکتسابی، و طبیعی است که علم غیرامامان به لحاظ اکتسابی بودن دایره محدودی دارد. لکن در مورد امام این محدودیت نمی تواند وجود داشته باشد. بنابراین قلمرو و دایره علوم امامان نسبت به همه انسان ها حتی انبیاء و اوصیاء الهی نامحدود است.

ویژگیهای علم امامان

۱- علم امامان در مقایسه با علم الهی قطعاً محدود است به لحاظ اینکه علم آنان معلول خداوند است و قطعاً هر علتی واجد تمام کمالات معلول و برتر از آن است.

۲- علم امامان ذاتی نیست، و علم بدنی است که خداوند به آنان عطا فرموده است.

۳- لازمه علم ذاتی نامحدود بودن است، چنان که علم ذاتی خداوند چنین است و متقابلاً علم مستفاد و لدنی محدود است، همانند علم امامان در ارتباط با علم خداوند.

۴- دایره علم امامان در دایره هستی به اذن الله نامحدود و مطلق است. بر همین اساس است که در روایات در مورد علم آنان تعبیر آنچه در گذشته و آینده و آنچه در حال وجود دارد شده است.^۱

۵- اگرچه علم امام به اراده و خواست او بستگی دارد و هر چه را بخواهد بداند، خواهد دانست، اما اراده آنان تابع اراده و مشیت خداست و تا خدا اراده نکند آنان نیز اراده نخواهند کرد و بقیه در علم یکی از وظایف آنهاست پس تحمل و نگهداری علوم و اسرار الهی و حفظ آن از اشاعه و انتشار کار دشواری است که فقط ائمه اطهار می توانند به گونه ای شایسته از عهده آن بر آیند آنان علوم را در وجود خود ذخیره کرده و در آن را به روی هر کسی نمی گشایند بلکه با رعایت اصل تقیه با هر کسی به اندازه ظرفیت و استعدادش سخن می گویند و آنچه را که باید بگویند بجا می گویند و آنچه را باید کتمان کنند به کسی نمی گویند.^۲

^۱ - مشکى، بررسی علم از دیدگاه شیخ مفید، ص ۳۰۳

^۲ - جوادی آملی، ادب فنای مقربان، جلد ۱، ص ۱۸۵.

نتیجه گیری

علم الهی استقلالی بوده، مرتبط با جای دیگری نیست. اما ائمه اطهار تبعی و عرضی است و به منبع لایزال علم الهی مرتبط است. یعنی همان طور که چیزی از حیطة علم بی پایان خدا مخفی نمی ماند گستره علم ائمه اطهار نیز همه موجودات نظام هستی را در بر می گیرد و باید توجه داشت که ائمه هر چه را بخواهد بداند خواهد دانست اما اراده آنان تابع اراده و مشیت خداست. این علم حضوری بوده که از جانب خداوند سبحان به طرق مختلف به آنان عطا شده و این علم از ویژگی های امام بوده.

علم امام نامحدود است و تمامی علوم از علم غیب، فقه، طب، ریاضی و ... را شامل می شود و از منابعی هم چون قرآن، ارتباط با روح القدس و فرشتگان، وراثت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرچشمه می گیرد.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم (ترجمه حسین انصاریان)

کتاب فارسی

- ۱- تحریری محمدباقر، **جلوه های لاهوتی**، ج ۲، تهران: نشر حر، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش .
- ۲- تحریری محمدباقر، **جلوه های لاهوتی**، ج ۲، تهران: نشر سبحان، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۳- جوادی آملی عبدالله، **ادب فنای مقربان**، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۴- کلینی فقه الاسلام، **اصول کافی**، چهار جلدی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف، سال ۱۳۸۳ ه.ش .
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، ج ۱، (مترجم: سید جواد مصطفوی)، تهران: علمیه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه.ش .
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، **أصول الکافی**، ج ۲، (مترجم: محمد باقر کمره ای)، قم: اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه.ش
- ۷- مظفری، محمدحسین، **علم امام**، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ش .
- ۸- استاد آقایی، عباس، **اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام**، کاشان: یاوران مهدی (عج)، چاپ هجدهم، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۹- ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، ج ۱، (مترجم: محمد تقی آقا نجفی اصفهانی)، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ اول، بی تا .
- ۱۰- کاشفی، محمد رضا، **امام شناسی**، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۱- حلی، حسن بن مطهر، **کشف الیقین فی فضال امیرالمؤمنین**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی چا، ۱۴۱۱ ه.ق
- ۱۲- نادم، محمد حسن، **علم امام (مجموعه مقالات)**، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸ ه.ش

کتاب عربی

- ۱- صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، قم:** مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق
- ۲- محمد بن مکرم، ابن منظور، **لسان العرب**، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۳- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین**، ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۴- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۶- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۳۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.

مقالات

- ۱- مشکى، محمد، «بررسی علم امام از دیدگاه شیخ مفید»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، شماره اول و دوم، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۲- منتظری، حسینعلی، «علم امام به حوادث آینده»، پاسدار اسلام، شماره ۶۸، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۳- حمادی، عبدالرضا، «گستره علم امام از منظر کلینی و صفار»، فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰ ه.ش
- ۴- منفرد، مهدی، «تبیین مسأله علم و بازگشت علم حصولی به علم حضوری در تفکر عالمه طباطبایی»، فصلنامه علامه طباطبایی، شماره ۱، ۱۳۹۳ ه.ش.